

«بسم الله الرحمن الرحيم»

آشفته بازار محبت

محتش المجدی

انتشارات سیمرغ خراسان

۱۳۹۴



سرشناسه: امجدی، مجتبی، ۱۳۶۳
عنوان و نام پدیدآور: آشفته بازار محبت/مجتبی امجدی.
مشخصات نشر: مشهد: سیمرغ خراسان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۴۸ص/مصور.

شابک: ۹-۰۸-۰۱۴-۸۰۱۴-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴

رده بندی کنگر: PIR۸۳۴۰۰/م ۵۲۷ ۱۳۹۴

رده بندی دی‌یی: ۸: ۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۴۵ ۳۹

مشهد - بلوار سهری - مطهری ۶۴ - پلاک ۳۷ - تلفن ۰۹۱۵۷۰۰۱۰۳۰

simorgh_lh@orasan@yahoo.com - خرید اینترنتی - nosakh book .ir

نام کتاب: آشفته بازار محبت

مؤلف: مجتبی امجدی

ناشر: انتشارات سیمرغ خراسان

طراح جلد و صفحه آرا: خاطره آرمین

ویراستار: فاطمه سلمی

قطع: رقعی / شمارگان: ۱۰۰۰/ ۱۳۹۴

شابک: ۹-۰۸-۰۱۴-۸۰۱۴-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

فهرست

۷	مقدمه
۱۳	قصه‌ی زندگی
۱۶	غم فراق
۱۹	کوچه‌ی خاطره
۲۲	پدر
۲۶	گل صحرایی
۳۰	دنیای بد
۳۴	حسرت عشق
۳۷	مادر
۳۸	تنهایی
۴۱	گل شب بو
۴۴	جدال فقر و ایمان

مقدمه

با سلام و عرض ادب حضور شما خواننده گرامی:

اسماد رحوم، زنده یاد نادر ابراهیمی، نویسنده ای بنام، بسیار چیره دست و توانا در قسمتی از پاسخنامه ای که در سال ۱۳۷۴ برای بنده نوشتن می گفت: (رندی گفته است: کسانی که کتاب های خوب را تا سنین می کنند، در واقع شعور، قدرت درک و احساس عمیق خود را تحریک می کنند. چرا که هر اثری، اگر خوب باشد، به خواننده خوب می آید، جاهل چگونه می تواند عمق را بداند؟)

این نکته مقام و شان والای شما دوست محترم و خواننده ارزشمند اهل تفکر را به خوبی نشان می دهد.

مقدمه کتاب را با چند سوال از شما آغاز می کنم: چرا ما در حال حاضر شاعری واقعاً توانا همچون زنده یادان (مهدی اخوان ثالث، علی اسفندیاری، فریدون مشیری و احمد شاملو نداریم؟ هم اکنون اجتماع اشباع شده از کسانی که داعیه ی شاعری و نویسندگی را دارند اما پس چرا خبری از ستاره ای فروزان در این عرصه ها



آشفته بازار محبت

نیست؟ ستاره ای هم نه ، شمعی ، چراغی ...

کسانی هم هستند که لحظه ای می درخشند ، اما فقط لحظه ای ...

قصه فرهنگ و ادب فارسی اگر بر همین روال ادامه پیدا کند و این رشته یوسته در قرن های بسیار از هم بگسلد ، در آینده استادی برای آموزش نسل های آن دوران نداریم. پیشینیان اهل فن ما که ذره ای در - حق ما کوتاهی نکردند! چرا ما در حق آینده گان باید جفا کنیم؟

با ورود سبک های حفیصی هم چون هایکو و غیره که فاقد زیبایی و شیوایی و هنر و حتی قدری ، قدرتی تعهد انسانی ، اخلاقی و اجتماعی می باشند، می خواهیم چه چیزی را به ادبیات ایرانی بیافزاییم و چه چیزی را از آن کم کنیم؟

شاعری و نویسندگی پیش از هر چیز و بیش از هر چیزی یک وظیفه است ، یک احسان مسئولیت بزرگ و سنگین است که در هر زمان و بسته به هر شرایط ، اگر چه نوع بیانش شاید تغییر کند اما چیزی که هرگز در آن تغییر نمی کند با مردم بودن ، همدرد و همنوا با مردم بودن و البته انتقال پیام های اجتماعی ، فرهنگی ، سیاسی و غیره است، شعری که روشنگرانه نباشد ، فاقد محتوا و



آشفته بازار محبت

مفهوم باشد و با نگاهی موشکافانه و منتقدانه (نه غرض ورزانه) به مسائل مهم اجتماعی و غیره نپردازد و نقاط تاریک را روشن نسازد ، اصولاً به چه کار می آید؟ و شما دوست گرامی چرا باید بخوانید آن چرا که می دانید چیزی به شما نمی افزاید و دقیقاً عمر شما را نذر تلاف و باطل می کند؟

هایکو ایرانی که به قول یکی از دوستان بیشتر هایکو واره است تا هایکو ، در اصل بر سه یک نقش از یک منظره و یا یک صحنه بدون ذره ای بیان احساس انسان سوی راوی است و معمولاً کوتاه است ، در حد چند خط و این سبک ممکن است برای مردم ژاپن ، چین و دیگر اقوام ساکن در خاور دور زنده و دلپسند باشد اما برای ادبیات و فرهنگ ما چیزی به جز یک بیماری فرهنگی نیست ، چیزی را به ما عرضه نمی کند و حتی زیباترین هایش هرگز در حدی نیست که من بتوانم نام شعر را بر روی آن بگذارم ، از این مساله که بگذریم می رسیم به شعر سپید ، بارها زنده باد استاد احمد شاملو از وجود وزن ، نوع ترکیب بندی کلمات و جایده خاص هر کلمه در رگ و پی شعر سپید سخن گفته و آن طور که بنده در خاطرم هست در کتابی مختصر توضیحی راجع به وزن ، هجاها و چگونگی ها و چراهای این سبک داده است ، اما ما هم اکنون



آشفته بازار محبت

شاهد نثرهای کوتاه یا بلند و زشت و زیبایی هستیم که نویسنده اش مدعی است شعر سپید سروده است و دریغ که اگر حتی ذره ای از اصول و قواعد یا زیبایی، رسایی و استحکام کلمات در آنها رعایت شده باشد، بیشتر شبیه مقدمات اولیه شروع یک داستان است و یا قسمتی از یک داستان. خب اگر که این طور باشد نویسنده ی گرانقدر، با فضیلت و توانای ما (استاد محمود دولت آبادی عزیز) بیشتر از همه ها هم بسیار رمان نوشته است، هم داستان های کوتاه و هم در آن واحد باید بپذیریم که تمام آثارش شعر نیز هست، که البته می دانیم چنین نیست.

پیشرو بودن در فرهنگ هرگز از راه معنای این نیست که سبک و روشی را فقط به این دلیل که جدید است و یا خارجی است وارد فرهنگ ادبی ثروتمند خود کنیم و گروهی از مردم را بفریبیم که این نماد تجددگرایی و روشنفکری است. پیشرو بودن به نظر من زدودن زنگار کلمات و لغات ثقیل و حذف محدودیت های رایج در شعر منظوم سنتی و در عین حال حفظ زیبایی، رسایی، تعقل گرایی و مشدد کردن این صفات مثبت در آن است. در مورد شعر نو و شعر سپید هم داستان همین طور است. سرودن شعر استعداد می خواهد و تنها منوط به گسترده بودن دایره ی واژگان نمی باشد



آشفته بازار محبت

و از نظر من شاعری هنری است ذاتی و نه اکتسابی ، یک موهبت خدادادی است که می توان آن را ایرج میرزا گونه به هرنش داد! و یا همچون فردوسی ، حافظ ، مولوی ، خیام و هاتف اصفهانی در راه هدفی متعالی و برای مردم ، میهن ، انسانیت ، اخلاق و غیره به کارش گرفت.

البته برای شخص بنده نویسنده گی و یا شاعری یک ابزار کار بسیار زیبا و پر مسئولیت است. اما آنچه مهم است این است که با کمک این ابزار در چه راهی قدم می گذارم و در پی انجام چه کاری هستم. کتاب پیش روی شما ، کتاب نفع است که به سبک شعر نو نوشته شده و برادر خوبم آقای مجتبی امجدی آن را به شما بزرگواران عرضه نموده است. مقدمه اش را بنده من بود و هر آنچه را که در این مجال می گنجید بیان نمودم البته در پایان باید عرض کنم که شعر های آقای مجتبی امجدی اگر چه تکیه بر احساس دارد و یا خاطره هایی را در ذهن خواننده یا شنونده شعله می سازد ، اما همیشه بر پایه یک هدف مهم و در یک راستا و در یک مسیر است که این بیشتر از پیش ارزشمندش می کند و تاکید می کنم که با وجود سال ها علاقه و زحمت و تلاش در نوشتن این کتاب که اولین کتاب منتشر شده اوست ، پشتیبانی



آشفته بازار محبت

شما می توانید انگیزه ای زیبا و مهم در راه ادامه این مسیر و هم پیشرفت و ترقی او باشد.

نمی خواهم قیاس کنم، اما زنده یاد احمد شاملو در مقدمه اولین کتابش چه نوشته بود؟ بله نوشته بود: این اشعار همچون قدم های بران کودکی است که برای اولین بار می خواهد راه رفتن را بیاموزد.

با سپاس از وقت و مصاحبه ای که گذاشتید.

هادی امجدی

